

تحلیل انتقادی آراء آلوسی در انکار براهین عقلی و جوب عصمت امام

مجید معارف^۱

عبدالهادی فقهی زاده^۲

شکوه چینی فروشان^۳

چکیده

عصمت امام (علیه السلام) یکی از مبانی امامت در فرهنگ تشیع است؛ و علمای امامیه از دیر باز با برهان های متعددی ضرورت آن را اثبات کرده و به دفاع از آن پرداخته اند، درحالیکه این موضوع همواره از ناحیه مخالفین مورد نقد واقع شده است. آلوسی - از مفسرین معاصر عامه - از جمله مخالفین عصمت است و نقدهایی را بر دیدگاههای امامیه در ادله عصمت وارد کرده است. او بر این باور است که با ختم نبوت موضوع عصمت پایان می یابد و برای حفظ دین فقط عدالت و اجتهاد کفایت می کند و نیازی به عصمت امام نیست. او همچنین معتقد است که بین عصمت امام و غیبت ایشان از منظر شیعه تناقض وجود دارد. این دیدگاههای آلوسی عمدتاً برگرفته از نوع نگرش او به موضوع امامت و مساوی دانستن امامت و خلافت و تنزل مقام امامت به حد عالمان یک جامعه است. آراء آلوسی بعضاً برگرفته از نظر پیشینیان است و مورد استفاده مخالفان معاصر نیز قرار گرفته است. در این پژوهش ضمن واکاوی و ارزیابی دیدگاههای آلوسی در نفی دلایل شیعه به تبیین ادله عقلی امامیه در اثبات ضرورت عصمت امام و تثبیت جایگاه و مقام امامت پرداخته شده است.

کلید واژه ها: آلوسی، براهین عقلی، عصمت امام، برهان تسلسل، حفظ شریعت،

maaref@ut.ac.ir

Drfeghhizaseh@gmail.com

۱- استاد دانشگاه تهران

۲- استاد دانشگاه تهران

۳- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

۱- طرح مسئله

از نظر علمای امامیه عصمت امام و ضرورت آن امری مسلم و قطعی است که برای اثبات آن ادله عقلی و نقلی بسیاری در کتب کلامی، تفسیری و روایی ذکر کرده اند. (نک: مظفر، ۸/۲؛ م. ح. علامه حلی، کشف المراد ۱۸۴؛ شیخ طوسی، رسائل العشر، ۱/ ۳۲۴؛ شیخ مفید، النکت الاعتقادیه، ۴۰؛ شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد، ۱۲۸؛ شیخ صدوق، علل الشرایع، ۱/ ۲۰۲-۲۰۳) (علم الهدی، تنزیه الانبیاء و الأئمه، ۲۲؛ علم الهدی، جمل العلم و العمل، ۴۱ شیخ طوسی، الغیبه، ۱۶؛ شیخ طوسی، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، ۱۸۹) در این میان برخی از علمای عامه از جمله آلوسی در مباحث تفسیری و کلامی خود معتقد به نفی ضرورت عصمت امام بوده و ادله ای در نقد آراء شیعه و اثبات نظر خویش ارائه نموده اند. آلوسی علاوه بر ادله نقلی، براهین عقلی شیعه در ضرورت عصمت را نیز نقد و انکار کرده است. او در نقد براهین عقلی دلایلی در رد سه برهان امتناع تسلسل، حفظ شریعت و برهان لطف ارائه نموده است. با توجه به موارد ذکر شده مسئله این مقاله توجه به دیدگاههای آلوسی در نفی ضرورت عصمت امام و واکاوی و نقد علمی آنها با تکیه بر استدلالهای علمای شیعه است.

۲- مقدمه

برای بحث نیاز به بررسی چند موضوع به عنوان مقدمه وجود دارد که به ترتیب آن ها را مطرح می کنیم:

۱-۲- آلوسی و دیدگاههای او در نفی ضرورت عصمت امام

آلوسی از مفسرین معاصر اهل سنت است و شهرت علمی او بیش تر به سبب تفسیر معروف روح المعانی می باشد، این تفسیر جامع آراء گذشتگان بوده و خلاصه ای از تفاسیر پیش از خود نیز محسوب می گردد. او در این تفسیر ضمن نقل نظر مفسرین پیش از خود به نقادی آنها نیز پرداخته است. آلوسی در تفسیر خود بیش از همه از تفسیر فخر رازی بهره برده، اما از آنجا که آلوسی حنفی مذهب بوده است بخشهایی از منقولات رازی را بویژه در مسائل فقهیه نقد کرده است. از آلوسی علاوه بر تفسیر روح المعانی بیش از ۲۰ کتاب به جا مانده است، که شرح العینیة فی مدح سیدنا علی (ع) و رساله ای در رد امامت شیعه از آن جمله اند. (نک: سجادی) آلوسی در مباحث امامت؛ دیدگاههای شیعه در مبانی امامت را نقد و انکار می کند. او ضمن این مباحث به موضوع ویژگیهای امام از دیدگاه شیعه پرداخته و مدعی است حتی اگر فرضاً ضرورت وجود امام از منظر شیعه را بپذیریم، باز هم نمی توان صفاتی چون عصمت و علم را که شیعه برای امامان ادعا کرده است، بپذیریم. او در این جهت ادله عقلی و نقلی امامیه در اثبات ضرورت عصمت امام را از کتب مختلف شیعه بیان کرده و سعی کرده با مناقشه در این ادله آنها را با دلایل خود رد کند. در اینجا باید به این مطلب اشاره کرد که شیعه برای عصمت امام هم به ادله عقلی و هم ادله نقلی استناد کرده است. دلایل عقلی از دیرباز برای اثبات عصمت ائمه غالباً در کتب کلامی شیعه ارائه شده اند، بعضی از این دلایل عقلی محض هستند و بعضی که در ارائه مقصود از

مقدمات قرآنی و روایی بهره برده اند، عقلی محض نیستند (ابراهیم صفرزاده، ۱۵۲) و گاهی از یک دلیل تقریر های متعددی وجود دارد. (علی ربانی گلپایگانی، ۴۱) خواجه نصیر طوسی در تجرید الاعتقاد در ضرورت عصمت امام به ۵ برهان امتناع تسلسل، برهان حفظ شریعت، برهان وجوب اطاعت، برهان نقض غرض و برهان انحطاط اشاره می کند. (طوسی، تجرید الاعتقاد، ۲۲۲) شیخ مفید ۳ دلیل امتناع تسلسل، حفظ شریعت و نقض غرض که وجوب اطاعت را هم شامل می شود (شیخ مفید، النکت الاعتقادیه، ۴۰) و در کتاب الفائق فی اصول الدین به برهان امتناع تسلسل، اقامه حدود، حفظ و تبیین شریعت، نقص مردم برای اثبات وجوب عصمت امام اشاره شده است. (نک: الملاحمی الخوارزمی)

آلوسی سه برهان امتناع تسلسل و برهان حفظ شریعت و برهان لطف را مورد تحلیل و نقد قرار داده و آنها را انکار می کند. او معتقد است عصمت به آن معنی که در انبیاء مطرح است یعنی عدم تصور گناه، از شروط امامت نمی باشد، به عقیده او دیدگاه شیعه در باب عصمت امام مخالف کتاب و عترت است. (آلوسی، النفحات القدسیه، ۲۸) لازم به ذکر است از میان امت اسلامی، تنها شیعه امامیه و اسماعیلیه به عصمت امامان، وجوب امامت و وجوب نص قائل اند که بین دیدگاههای آن دو نیز تفاوت وجود دارد. در این موضوع اهل سنت با شیعه در اختلاف دائم بوده اند. چون اهل سنت نه به عصمت امام اعتقاد دارند و نه به وجوب امامت و وجوب نص. این مطلب نیز لازم است ذکر شود که آلوسی نسبت به مذهب شیعه تعصب ورزیده و آشکارا آن را بیان می دارد و به شیعه بسیار می تازد و بعضاً نسبتهایی بیان نموده که در کلام علمای شیعه نبوده است. در این پژوهش آراء آلوسی در انکار براهین عقلی شیعه در ضرورت عصمت امام را با استناد به ادله شیعه در اثبات مبانی امامت تحلیل و ارزیابی می کنیم.

۲-۲- مفهوم شناسی عصمت

عصمت در لغت به معنی باز داشتن^۱ و خودداری کردن (راغب اصفهانی، ۳۳۶) است. معنای اصطلاحی عصمت با معنای لغوی آن اختلاف ماهوی چندانی ندارد ولی با توجه به مبانی کلامی، تعریفهای مختلفی از آن ارائه شده است. (علی ربانی گلپایگانی، ۲) (احمدحسین شریفی، حسن یوسفیان، ۴۹-۶۸؛ سید موسی هاشمی تنکابنی، ۲۲-۳۴؛ ابراهیم صفرزاده، ۳۰-۵۰ و ۱۰۴-۱۲۴)

^۱ در بحث لغت شناختی عصمت نک: احد فرامرزی قراملکی، شرح بر کشف المراد، مباحث نبوت (مقصد چهارم)، به قلم جمعی از محققان دانشگاه امام صادق، بخش خواران، ۱۳۷۷، تهران

بیشتر دانشمندان امامیه^۱ و معتزله^۲ نظریه لطف الهی را در مورد عصمت، با اندکی تفاوت در جزئیات پذیرفته اند. بر اساس این دیدگاه، عصمت لطف الهی است که خداوند شامل حال برگزیدگان خود می کند و انسان معصوم به کمک آن و در عین داشتن اختیار و اراده آزاد و قدرت، از ارتکاب گناه و ترک طاعت خداوند، خودداری می کند.

گروهی از اشاعره (جرجانی و جلیبی، ۸/ ۲۸۰)، عصمت را به پرهیز خداوند از آفرینش افعال قبیح و زشت در معصومین تفسیر کرده اند. (تفتازانی، ۴/ ۳۱۲) بدیهی است این معنا در نتیجه اعتقاد به جبری بودن عصمت حاصل می شود. برخی عصمت را به کمال نیروی عقلانی انسان (سید موسی هاشمی تنکابنی، ۲۶-۲۸؛ لاهیجی، ۳۷۹) یا ملکه نفسان (تفتازانی، ۴/ ۳۱۲؛ علم الهدی، تنزیه الانبیاء و الأئمه، ۱۹؛ ایجی، ۳۶۶) یا نوعی علم (طباطبایی، ۵/ ۷۸-۸۰ و ۱۵۸-۱۶۲) تعریف کرده اند.

آلوسی عصمت را به حراست از ضرر و حفظ از گناه معنا کرده است. (آلوسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، ۳/ ۳۱۴؛ ۴/ ۳۱۰) او عصمت را در انبیاء؛ علاوه بر حفظ از گناه، عدم تصور گناه دانسته است. (همو، النفحات القدسیه، ۲۸) از نظر او عصمت لطفی است از جانب خداوند تعالی که معصوم را با بقای اختیار به سمت انجام کار می راند و از انجام شر باز میدارد. او همچنین عصمت را در انبیاء؛ حفظ از گناه و به معنای عدم تصور گناه دانسته است. (آلوسی، النفحات القدسیه، ۲۸)

آلوسی در تفسیر روح المعانی به معنای کلامی عصمت پرداخته است. او معتقد است عصمت لطفی است از جانب خداوند تعالی که معصوم را با بقای اختیار به سمت انجام کار می راند و از انجام شر باز می دارد.

۳- دیدگاههای آلوسی در نفی ادله عقلی بر ضرورت عصمت امام و واکاوی آنها از منظر شیعه

آلوسی به چند برهان شیعه در اثبات عصمت امام اشکالاتی وارد کرده است. در اینجا به تفکیک پس از بیان دیدگاههای او در هر مورد به نقد و بررسی آنها می پردازیم.

۳-۱ دیدگاه آلوسی در نقد برهان امتناع تسلسل

آلوسی در انکار برهان امتناع تسلسل میگوید یکی از ادله امامیه بر عصمت امام این است که اگر امام معصوم در جامعه حاکم نباشد، فردی غیر معصوم حاکم است، و به حکم عقل این فرد خود نیاز به رهبری معصوم دارد؛ و اگر او هم معصوم نباشد؛ لزوماً تسلسل ایجاد می شود تا به معصوم برسد، و به جهت بطلان تسلسل امام باید معصوم باشد. از نظر آلوسی ضرورت نصب امام؛ تنفیذ احکام و حفظ حدود اسلام و جلوگیری از مفاسد است

^۱ (ابن نوبخت ابی اسحاق ابراهیم، ۳۷) (شیخ مفید، النکت الاعتقادیه، ۳۷) (شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد، صفات شیخ مفید، ۵/ ۱۲۸) (علامه حلی، منهای یقین فی اصول الدین، ۲۷۸) (ع. ا. لاهیجی، ۹۰- ۱۱۴) (سیوری، ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدین، ۳۰۱- ۳۰۲) (سیوری، الاعتماد فی شرح واجب الاعتقاد، ۴۲) (شیخ طوسی، تلخیص الشافی، ۱/ ۱۹۳- ۱۹۴) (علم الهدی، امالی، ۲/ ۳۴۷)

^۲ (ابن ابی الحدید، ۷/ ۸) (الاشعری، ۲۶۳) (قاضی عبدالجبار، ۱۳/ ۱۵)

و برای آنها نیازی به عصمت نیست بلکه اجتهاد و عدالت کافی است. و چون گناهی بر تابع نیست، جایز الخطا بودن یا نبودن امام مساوی است. از نظر او دلیل تسلسل در اثبات عصمت امام باطل است، زیرا سلسله معصوم به پیامبر ص پایان می یابد. همچنین او معتقد است دلیل تسلسل با عقیده دیگر شیعه مبتنی بر نیابت مجتهد (غیر معصوم به اجماع شیعه) از امام معصوم در زمان غیبت نقض می شود. (آلوسی، النفحات القدسیه، ۲۹-۳۰)

این دیدگاه آلوسی به نوعی برگرفته از آراء بعضی از پیشینیان بخصوص ولی الله دهلوی است که توصیف امام به عصمت را منافی با خاتمیت و اصل نبوت می داند.

نظر آلوسی در چند مورد با نظر فخر رازی متفاوت است. فخر رازی وجود حجت معصوم را در هر دوره ضروری می داند و دلیل آن را بطلان تسلسل بیان می کند. اما او به جهت تعصب در عقاید خویش، این حجت معصوم را اجماع امت معرفی می کند. (الرازی، تفسیر ۱۰-۱۱۳-۱۱۴؛ و برای پاسخ نک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ۳/ ۴۳۵-۴۳۶)

همچنین منشأ بعضی از شبهات امروزی را نیز میتوان در این رأی آلوسی ریشه یابی کرد. سروش در این باره می نویسد: "پس از پیامبر اسلام ص دیگر هیچ کس ظهور نخواهد کرد که شخصیتش به لحاظ دینی ضامن صحت سخن و حسن رفتارش باشد". (سروش، بسط تجربه نبوی، ۱۳۴؛ قدران قراملکی، پاسخ به شبهات کلامی ۱۴۷)

همو در جای دیگر می نویسد: "امامت را شرط کمال دین شمردن و امامان را برخوردار از وحی باطنی و معصوم و مفترض الطاعه دانستن (چنانکه شیعیان می دانند) چگونه باید فهمیده شود که با خاتمیت ناسازگار نیفتد؟" (سروش، "پاسخ اول سروش به بهمن پور"؛ قدران قراملکی، پاسخ به شبهات کلامی ۱۷۵)

در مقابل این نظر، گروهی دیگر صفات عصمت، علم لدنی و اصل نصب را صفات فرا بشری توصیف و نظریه رقیب را (انکار صفات فوق) موافق اصل ختم نبوت تفسیر می کنند. (کدیور، ۹۵؛ قدران قراملکی، پاسخ به شبهات کلامی ۱۴۷)

۳-۱-۱ تحلیل و نقد دیدگاه آلوسی

اعتقاد شیعه بر این است که امام باید معصوم باشد و یکی از دلایلی که برای آن آورده اند این است که امتناع تسلسل دلیل بر وجوب عصمت است. (مظفر، ۸/ ۲؛ م. ح. علامه حلی، کشف المراد ۱۸۴؛ شیخ طوسی، رسائل العشر ۱/ ۳۲۴؛ شیخ مفید، النکت الاعتقادیه، ۴۰؛ شیخ مفید، تصحیح الاعتقاد، ۱۲۸) بسیاری از اندیشمندان و متکلمان اسلامی مثل شیخ مفید و سید مرتضی دلیل امتناع تسلسل را در باب عصمت انبیا و امامان آورده اند. این برهان با تقریرهای مختلفی بیان شده است. یکی از این تقریرها بیانی است که در مناظره هشام بن حکم با ضرار دیده می شود. این تقریر فقط یک پیش فرض دارد و آن هم این است که از جمله وظایف امام اجرایی

حد بر گناهکار است و اگر امام خود مرتکب گناه شود، باید فرد دیگری باشد تا حد بر او جاری کند و اگر او معصوم نباشد، نیاز به فرد دیگری است که این کار را انجام دهد و معصوم باشد. (صدوق، علل الشرایع، ۱/ ۲۰۲-۲۰۳) البته مراجعه به روایات امام صادق ع روشن می‌سازد که ریشه‌های استدلال هشام در روایتی از امام صادق ع بیان شده است؛ ایشان می‌فرمایند: کسی که حدی بر گردن اوست، خود نمی‌تواند اقامه حد کند، از این رو امام نیست. (صدوق، الخصال، ۱/ ۳۱۰)^۱ تقریر دیگر این برهان در بیان شیخ مفید دیده می‌شود که در شرح این استدلال بیان می‌کند از آنجا که مردم معصوم نیستند و دچار اشتباه می‌شوند، باید کسی باشد تا این اشتباه را به آنان گوشزد کند و راه راست را به آنان نشان دهد و در مواردی که مرتکب جنایت می‌شوند، بر آنان حد جاری کند. او همان امام است و اگر معصوم نباشد تفاوتی میان او و مردم نخواهد بود و خود به امامان دیگری نیازمند می‌شود در حالی که امام نباید نیازمند دیگران باشد. (شیخ مفید، وقعة الجمل، ۳۱)^۲ سیدمرتضی برهان امتناع تسلسل را استوارترین برهان عقلی بر وجوب عصمت امام دانسته است. (علم الهدی، الشافی فی الامامة، ۲۸۹) و در آثار خود اقلای هشت بار به آن تمسک کرده است. بیان ایشان در توضیح این استدلال مشابه بیان شیخ مفید است، و به مواردی چون نیاز به امام معصوم برای هدایت مردم و لزوم عدم خطا در امام اشاره نموده است. (علم الهدی، تنزیه الانبیاء و الأئمه، ص ۲۲؛ علم الهدی، جمل العلم و العمل، ۴۱) شیخ طوسی نیز معتقد است که برهان امتناع تسلسل بر مقدماتی متوقف است که مجموع آنها فلسفه وجود امام را تبیین می‌کند. (شیخ طوسی، الغیبة، ۱۶؛ شیخ طوسی، الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، ۱۸۹) برهان امتناع تسلسل عصمت امام در قلمرو عمل به امور واجب و ترک کارهای حرام و در قلمرو علم به شناخت احکام شریعت و موضوع آنها و تشخیص مصالح و مفاسد اجتماعی را اثبات می‌کند. (علی ربانی گلپایگانی، ۵)

همان طور که اشهره شد دیدگاه آلوسی در رد این برهان ناظر به سه وجه است: ۱- عصمت امام ضرورتی ندارد و وظایف امام بدون عصمت نیز انجام می‌پذیرد. ۲- سلسله معصوم با ختم نبوت پایان می‌یابد. ۳- دلیل امتناع تسلسل با نظر شیعه در نیابت مجتهد در زمان غیبت امام منفات دارد. این آراء آلوسی از جهات مختلفی با تکیه بر دیدگاههای شیعه قابل نقد و مناقشه است که به آنها اشاره می‌نماییم:

۳-۱-۱-۱- امامت؛ مکمل نبوت و خاتمیت

بی شک شریعت اسلامی به طور کامل بر پیامبر اکرم ص نازل شده است و پیامبر اکرم ص نیز احکام شریعت را به تدریج بیان کرده‌اند. بی گمان با توجه به دوران کوتاه رسالت و فراهم نبودن شرایط مناسب برای تبیین تمام احکام شریعت، بیان بخشی از آنها به زمان‌های بعد و فراهم شدن شرایط و مقتضیات لازم واگذار شده است.

^۱ این برهان به این صورت بیان شده دارای نواقصی است که نیاز به تکمیل دارد. (فاریاب، ۱۹۸)

^۲ مرحوم شیخ مفید برای این استدلال از امتناع تسلسل استفاده نکرده و اصطلاح فلسفه وجودی امام را برای آن بکار برده است.

در دوران نبوت پیامبر (ص) مردم در پرتو تعلیمات ایشان به مرتبه ای از دانش و فهم دین و قرآن رسیده و نسل آنان نیز در تربیت و ظهور دین شناسان مسلمان مستعد است، اما با این وجود به دلیل عدم عصمت مردم و همچنین عالمان، احتمال خطا و تفسیر ناصواب از دین در صدر اسلام وجود داشت. زیرا که در آن دوره مبانی و اصول مسلم و ثابت دین هنوز منقح مدون و مضبوط نشده بود. و از طرفی هم امکان ندارد که پیامبر (ص) دین خدا را به صورتی ناقص برای مردم بیان کرده باشد چنانکه در قرآن کریم می فرماید «.. الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا..» (المائدة، ۳) همان طور که در شأن نزول آیه فوق گفته شده، با تعیین جانشین و نصب رهبر دینی و دنیوی مردم است که دین اسلام به صورت یک دین کامل و جامع معرفی می شود. لذا وجود یک مرجع علمی و دینی معصوم به نام امام ضروری می باشد تا بخش هایی از معارف و احکام شریعت را که پیامبر ص به دلیل فراهم نبودن شرایط یا مصالح دیگر بیان نکرده است، برای مردم تبیین نمایند و بیان این بخش از شریعت جز از طریق امام معصوم امکان پذیر نیست. بنابراین خاتمیت نه تنها ناقص عصمت نیست بلکه خود دلیلی بر عصمت امام است. (قدران قراملکی، ۱۴۴) (شریفی احمدحسین ، حسن یوسفیان، ۲۸۰) لازم به ذکر است این مطلب با استناد به برهان هایی چون برهان حکمت الهی (علامه حلی، الفین، ۷۶ و ۱۴۸؛ صفرزاده، ۱۵۲) و برهان وجوب اطاعت نیز بر این مطلب دلالت دارد. (شیخ مفید، النکت الاعتقادیه، ۴۱، طوسی، تجرید الاعتقاد، ۲۲۲)

اصل این اشکال که خاتمیت ناقص عصمت است به دو علت ممکن است برگردد، یا به جهت کفایت قرآن و سنت و اجماع و هدایت علماء است در حفظ دین، یعنی کفایت اجتهاد و عدالت (که ظاهراً عقیده آلوسی است)، و پاسخ آن در ادامه خواهد آمد، و یا بر مبنای بلوغ عقل و به خود وانهادگی انسان است (مبنای نظر اقبال لاهوری و دکتر سروش) که این پندار را تداعی می کند که هدایت های آسمانی، چه در عرصه تشریح و چه در حوزه تبیین معصومانه دین، در بند کشنده خرد آدمی و محدود کننده آن است؛ در حالی که هدایت های معصومانه دینی در هر یک از دو عرصه یاد شده هدیتگر عقل و خرد و بالندگی بخش و تکمیل کننده نواقص آن است. (نک: شاکرین)

۳-۱-۱-۲- تلازم عصمت با مقام امامت

شیخ مفید معتقد است وجوب امامت خود دلیل بر عصمت است. (همو، اوائل المقالات، ۶۵؛ شیخ مفید، وقعه الجمل، ۷۷) زیرا وقتی ثابت شد که وجود امام بعد از پیامبر ص ضروری است عصمت امام نیز ثابت می شود. اینکه آیا امامت با صفت عصمت تلازم دارد یا نه به نوع نگرش و تفسیر امامت بستگی دارد. اگر امامت صرف خلافت و حکومت تفسیر شود چنانکه اهل سنت بر آن عقیده اند و یا حداکثر به معنای تفسیر و تبیین دین تحلیل و معنا شود مقتضی عصمت نیست.

شهید مطهری در تبیین این موضوع به این مطلب اشاره دارد که مخالفان امامت با تفسیر ناقص و یک بعدی امامت یعنی تفسیر آن به مسئله حکومت و زعامت سیاسی از طریق نصب پیامبر اسلام (ص) امامت را مساوی حکومت منصوب انگاشتند، اما شیعه امامت را در دایره گسترده ای می بیند و آن را والا و برتر از حکومت می داند که مشتمل بر مرجعیت دینی و علمی است. به این معنا که امام و جانشین پیامبر همانند وی دارای عصمت و مسئولیت الهی در بیان و حراست از دین است و رأی وی مانند رأی پیامبر (ص) در همه زمینه های دینی سیاسی، اجتماعی فصل الخطاب است خواهد بود. این شأن امام والاتر و مقدم بر شأن حکومتی است. استاد مطهری در این باره می گوید: در مورد مسئله امامت، آنچه که در درجه اول اهمیت است مسئله جانشینی پیغمبر است. آیا بعد از پیغمبر انسانی وجود داشت که واقعاً مرجع احکام دین باشد آن طوری که ایشان مرجع و مبین و مفسر بودند. (مطهری، امامت و رهبری ۷۱-۷۲)

و از آنجا که مخالفین امامت به یک مفسر و اسلام شناس معصوم اعتقاد نداشتند، چاره ای جز استفاده از قیاس و روی آوردن به استحسانات ظنی و گمانی در پیش روی خود نمی دیدند، روشن است که هیچ یک از این صورت ها صحیح نیست. در همین رابطه است که امام علی (ع) می فرماید: **ام انزل الیه دینا ناقصا فاستعان بهم علی اتمام ... ام انزل الله سبحانه دینا تاماً فقصر رسول - ص - عن تبلیغه و أدائه** (سید رضی، خطبه ۱۸) یعنی: (آیا) آنچه خداوند فرستاد دینی است کاسته و ناقص و خداوند در کامل ساختن آن از ایشان یاری خواسته ... یا دینی که خدا فرستاده تمام بوده و پیامبر (ص) در رساندن آن کوتاهی نموده؟

بنابراین باید در بین امت کسانی باشند که احکام و معارف دین را به طور کامل از پیامبر (ص) فرا گرفته و در تبیین آن معصومانه بیان کنند و به عنوان حافظ و نگهبان شریعت و مرجع مردم برای شناخت اسلام راستین تشریح و احکام الهی مردم را رهبری کنند. (قدران قراملکی، ۱۲۰؛ شریفی، یوسفیان، ۱۷۹-۲۸۱) علامه امینی نام شانزده نفر از بزرگان اهل سنت را که تصریح به این مسئله دارند را ذکر نموده است. (امینی، ۲۳۰-۲۳۷)

ایراداتی که از سوی مخالفان عصمت از جمله آلوسی بر ادله عقلی عصمت گرفته شده، به انکار اصل مسئله امامت - به معنایی که مورد نظر شیعه است - بازگشت می کند و گرنه با پذیرش امامت به این صورت گریزی از پذیرش عصمت ائمه (ع) نیست.

۳-۱-۱-۳- عدم اختصاص عصمت به پیامبران

مقام عصمت یک عنایت الهی همراه با نفس زکیه انسان معصوم است که از صفات لازم نبوت و انبیاء به شمار می آید و به تعبیری لازمه مقام نبوت است، اما به معنای سلب صفت مزبور در دیگران و ادعای انحصار آن در پیامبران نیست. کسانی که این شبهه را مطرح کرده اند معتقدند که عصمت اختصاص به نبوت دارد، لذا آنان باید این مدعای خود را ثابت کنند که تعمیم عصمت به غیر پیامبران مانند اهل بیت (ع) ناسازگار با نبوت است

در حالی که روایات و آیاتی از قرآن کریم بر عصمت اهل بیت (ع) دلالت دارند. (قدران قراملکی، پاسخ به شبهات کلامی ۱۴۷)

۳-۱-۱-۴ ادله نقلی

برای اثبات ضرورت وجود امام معصوم در امت اسلامی بعد از ختم نبوت روایات بسیاری در کتب روایی نقل شده است، که در اینجا فقط اشاره ای گذرا به آیه ای از قرآن کریم و یک روایت در این باره می نماییم. در آیه شریفه « أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ». (النساء، ۵۹) خداوند به صورت مطلق به اطاعت از خدا و پیامبر و اولی الامر امر می کند. و این اطاعت مطلق دلیل بر عصمت آنان است. امام علی (ع) دایره عصمت را شامل «أولی الامر» تفسیر کرده اند:

"انما الطاعة لله عزوجل و لرسوله و لاوولی الامر و انما امر بطاعة اولی الامر لأنهم معصومون مطهرون لا یأمرون بمعصيته". (شیخ صدوق، الخصال، ۱/ ۶۸؛ صدوق، علل الشرایع، ۵۲)

۳-۲ دیدگاه آلوسی بر "برهان حفظ شریعت"

آلوسی در ادامه اشکال می گوید از ادله شیعه بر عصمت امام این است که امام حافظ شریعت است، و جایز نیست که خطا کند.

او در رد این نظر شیعه میگوید امام در واقع مروج دین است و علماء حافظ دین هستند، او برای اثبات ادعای خویش به آیه شریفه «.. وَ الرَّزِیُّونَ وَ الْأَخْبَارُ بِمَا اسْتَحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ..» (المائدة، ۴۴) و آیه شریفه «.. كُونُوا رَبَّائِنَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ الْكِتَابَ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ..» (آل عمران، ۷۹) استناد کرده است. او همچنین به کتاب الکرامة علامه حلی استناد کرده که دین در زمان فترت و غیبت بوسیله علماء حفظ می شود، و می گوید پس در زمان حضور آنان هم همانگونه حفظ می شود. او در ادامه میگوید که حفظ دین با کتاب و سنت و اجماع بوده نه با افراد، و خطا در این سه ممکن نیست، پس ضرورتی در حفظ آن نیست. (آلوسی، النفحات القدسیه، ۲۹-۳۰) در این اشکال آلوسی با پذیرفتن فرضی ادله ضرورت امامت و اینکه بعد از خاتمیت وجود امام معصوم برای جامعه ضروری است، به نقش امام در جامعه اشکال وارد می کند.

۳-۲-۱ تحلیل و نقد آراء آلوسی

یکی از برهان های عقلی که شیعه بر وجوب عصمت امام به آن استدلال می کند، برهانی است که از آن با عنوان حفظ شریعت یا تبیین شریعت تعبیر شده است. البته بعضی آن را به صورت دو برهان جداگانه مطرح کرده اند. در این برهان امام، چون حافظ شرع است باید معصوم باشد. مطابق این دلیل، یکی از مهمترین فواید امامت، حفظ دیانت است. امام مانند پیامبر حافظ شرع است. لذا باید معصوم باشد؛ زیرا مراد از حفظ، نگهداری علمی و عملی است و بدیهی است که حفظ شریعت در عمل و علم تنها با داشتن عصمت، امکان پذیر است.

زیرا غیر معصوم دست کم دچار خطا می‌شود. این برهان در مناظره هشام با ضرار به این گونه مطرح شده است که فلسفه وجود امام؛ ضرورت عصمت امام را ایجاب می‌کند. (صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ۲/ ۳۶۱-۳۶۸؛ صدوق، علل الشرایع، ۱/ ۲۰۴) شیخ صدوق در شرح این برهان می‌گوید: اگر غرض از نصب امام، روشن کردن معانی واقعی قرآن و سنت رسول خدا است، پس واجب است که امام معصوم باشد. (صدوق، معانی الاخبار، ۱۳۳-۱۳۴) سید مرتضی برهان حفظ شریعت را در سه مرحله ارائه کرده است: نخست آن که شریعت نیاز به حافظ دارد و رها کردن بدون حافظ اهمال و تکلیف خارج از طاقت است. ثانیاً حافظ شریعت باید معصوم باشد، زیرا در غیر این صورت ممکن است در شریعت تغییر و تبدیل ایجاد کند. ثالثاً حافظ شریعت لزوماً امام است زیرا محال است شریعت به دست امت حفظ شود. (علم الهدی، الشافی فی الامامة، ۱/ ۱۷۹) مرحوم سید در الشافی تمام مواردی را که ممکن است به عنوان جانشین امام در حفظ شریعت مطرح شود همچون قرآن، سنت، اجماع و تواتر را بررسی می‌کند. (علم الهدی، الشافی فی الامامة، ۱/ ۱۸۷، ۳۰۵، ۲۸۳) اشکالهای وارده بر نظر آلوسی را در چند وجه بررسی می‌کنیم:

۳-۲-۱-۱-۱ تحقق غایت بعثت در استمرار امامت معصوم

ضرورت بعثت انبیا مقتضی ضرورت عصمت امام نیز هست. به این صورت که خداوند برای راهنمایی بشر می‌بایست از باب لطف و حکمت راهنمایی از جنس بشر اما معصوم به سوی آنها برانگیزد. در واقع هدف از ارسال رسل و انزال کتب تبیین هدایت از ضلالت و هدایت سبیل است تا مردم به سوی رستگاری دنیا و آخرت رهنمون شوند. اگر پیامبران الهی معصوم نبودند و چنین مصونیتی را نداشته باشند و در ابلاغ پیامبر یا تفسیر و تبیین آن مرتکب خطا و سهو شوند برخلاف غرض بعثت می‌باشد. در دوره‌هایی که پیامبران با فاصله‌های یکی پس از دیگری می‌آمدند، وجود امام لازم نبود، اما با ارسال آخرین پیامبر و وحی آسمانی و وداع آخرین سفیر آسمانی از مردم، آیین آسمانی نمی‌تواند بدون شارع و مفسر معصوم رها گردد، چرا که تفسیر و برداشت‌های سایر انسان‌ها حسب فرض مصون از خطا و اشتباه نیستند. لذا باید یک میزان و شاخص معینی باشد تا با آن تفاسیر و قرائت‌های سره از ناسره روشن گردد. در صورت نبود فرد معصوم، این آخرین آیین آسمانی به آفت تحریف و انحراف مبتلا می‌گردد و غایت و هدف بعثت انبیا و نصب امامان هرگز تحقق نمی‌شود و این با هدف بعثت و اصل خاتمیت که خود مقتضی ضرورت وجود امام معصوم بعد از پیامبر اکرم (ص) است مناسب می‌باشد. این استدلال که در روایات نیز تاکید و تبیین شده است در آثار و سخنان بسیاری از دانشمندان نخست و متأخر شیعی به چشم می‌خورد، و بزرگانی چون شیخ مفید، شیخ طوسی و محقق لاهیجی از کسانی هستند که به این دلیل استناد جسته‌اند. (رازی، ۱/ ۲۱۹؛ راوندی، ۱/ ۸۲؛ علامه حلی، ۳۴۹؛ سبحانی، ۳/ ۱۶۷؛ طوسی، قواعد العقائد، ۹۲؛ آملی، ۱/ ۲۴۸؛ بیاضی، ۱/ ۵۱؛ اردبیلی، ۵۳؛ علامه حلی، منهاج‌الیقین فی اصول

الدین، ۲۸۰؛ طباطبایی، ۲/ ۱۳۵؛ سید موسی هاشمی تنکابنی، ۹۱؛ قدران قراملکی، ۱۴۹) و حتی برخی که در عقلی بودن دلایل دیگر به نوعی شک و تردید کرده اند، این دلیل را پذیرفته اند. (مصباح یزدی، ۱۴۸)

۳-۲-۱- لزوم فهم و تفسیر صحیح دین

درست است که با ارسال کامل ترین وحی تشریحی نیاز به تجدید بعثت و نبوت تشریحی برطرف شده و با قرار گرفتن مسئولیت دعوت و ارشاد و تبلیغ دینی بر دوش عالمان نیاز به نبوت تبلیغی نیز برطرف گردید، اما درست از همین رو نیاز به امام در امت خاتم رخ نمود. به عبارت دیگر قرار گرفتن عالمان در مسند تبلیغ، استنباط و تفسیر دین لاجرم در پی دارنده فهم ها، گرایش ها و تفسیرهای مختلف و متعارض از دین خواهد شد و بدون وجود رهبر و مرجعی که از عصمت و حجیت در فهم و تبیین دین برخوردار باشد و رأی او فصل الخطاب همه آراء متعارض باشد، حفظ دین و دوام و پایداری جامع دینی صورت نخواهد پذیرفت. رک: (قدران ملکی، خاتمیت ۲۷-۶۰)، بی گمان با توجه به دوران کوتاه رسالت و فراهم نبودن شرایط مناسب برای تبیین تمام احکام شریعت، بیان بخشی از آنها به زمان های بعد و فراهم شدن شرایط و مقتضیات لازم و اگذار شده است و از طرفی هم امکان ندارد که پیامبر (ص) دین خدا را به صورتی ناقص برای مردم بیان کرده باشد چنانکه در قرآن کریم می فرماید «.. الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا..» (المائدة، ۳) همان طور که در شأن نزول آیه فوق گفته شده، با تعیین جانشین و نصب رهبر دینی و دنیوی مردم است که دین اسلام به صورت یک دین کامل و جامع معرفی می شود. (نک: احمدحسین شریفی، حسن یوسفیان، ۲۸۰) لذا وجود یک مرجع علمی و دینی معصوم به نام امام ضروری بود تا بخش هایی از معارف و احکام شریعت را که پیامبر ص به دلیل فراهم نبودن شرایط یا مصالح دیگر بیان نکرده است، برای مردم تبیین نمایند و بیان این بخش از شریعت جز از طریق امام معصوم امکان پذیر نیست. بنابراین همانگونه که شیخ مفید معتقد است وجوب امامت خود دلیل بر عصمت است.

۳-۲-۱-۳- امامت معصوم یگانه حافظ شریعت

مسئولیت اصلی امام، حفاظت از شرع است و به این جهت است که باید معصوم باشد؛ مگر آن که کسی مدعی شود که حفاظت از دین، منحصر در امام نمی باشد و مؤلفه های دیگری هم هست که قادر به حفاظت از دین می باشد. باید ببینیم که آیا بدون امام، حفاظت از دین، تحقق پیدا می کند یا نه. راههایی که به واسطه آنها ممکن است دین حفظ شود، قرآن، سنت، اجماع، قیاس و اصل برائت است. اکنون باید دید که آیا این موارد، قادر به حفاظت از دین هستند یا نه.

الف) قرآن؛ مسلمانان اتفاق دارند که قرآن نمی‌تواند حافظ دین باشد؛ زیرا تفسیر و برداشت از قرآن، متفاوت است و از طرف دیگر، حوادثی که در طول تاریخ رخ می‌دهد، بسیار زیاد است و ممکن است تطبیق این حوادث با قرآن و برداشت احکام مورد نیاز، برای هر کسی میسر نباشد.

ب) سنت؛ سنت نبوی هم نمی‌تواند حافظ شرع باشد؛ به همان دلیلی که در بالا گفته شد.

ج) اجماع؛ اعتبار اجماع، به وجود معصوم است و اگر در بین اجماع کنندگان، امام نباشد، احتمال خطا در اجماع هم وجود دارد؛ زیرا احتمال کذب درباره هر یک از افراد اجماع، هست؛ بنا بر این، احتمال کذب در مجموع آنها هم خواهد بود.

د) قیاس؛ قیاس، آن است که برای به دست آوردن حکم مسأله‌ای، به موارد مشابه آن استناد کنیم و بگوییم: چون حکم مسأله‌ای در فلان مورد، حرمت است، پس حکم این موارد هم، چون شبیه آن است، حرمت می‌باشد. ولی از آنجا که حاصل قیاس، چیزی جز ظن ضعیف نمی‌باشد، قیاس در استنباط احکام شرعی، حجت نیست؛ بنا بر این، حافظ شرع هم نمی‌تواند باشد.

ه) اصل براءت؛ منظور از اصل براءت، این است که هرگاه نهی یا امری از جانب شارع در موردی نرسیده باشد، ما می‌توانیم با توجه به براءت، حکم به واجب نبودن یا حرام نبودن کنیم. ولی این اصل هم نمی‌تواند حافظ شرع باشد؛ زیرا اگر براءت بتواند حافظ شرع باشد، بعثت انبیاء لازم نبود و انسان می‌توانست به عقل خویش اکتفا کند؛ و حال آن که اکتفا به عقل، صحیح نیست.

و) مجموع موارد بالا؛ مجموع اینها هم نمی‌تواند حافظ شرع باشد؛ زیرا در کتاب و سنت، تنازع واقع شده و کتاب و سنت هم از جمله این مجموع است. قیاس نیز حجت نیست؛ بنا بر این، بر مجموع هم اشکال وارد خواهد بود.

نتیجه می‌گیریم که حفاظت از شریعت، تنها به وسیله امام صورت می‌گیرد و بنا بر این، باید معصوم باشد تا دین از خطر سقوط و انحراف، مصون بماند. (جمعی از نویسندگان، ۱۵۸)

بسیاری از متکلمین نامدار شیعه، مثل شیخ مفید، علامه حلی و شیخ صدوق به این دلیل تمسک کرده‌اند؛ بدین صورت که امام حافظ شریعت است و اگر معصوم نباشد شریعت از زیاده و نقصان در امان نیست. (شیخ مفید، النکت الاعتقادیه، ۱۴۰؛ تصحیح الاعتقاد، ۱۳۰؛ علامه حلی، ۱۸۴؛ بحرانی، ۱۷۹؛ مظفر، ۲ / ۸۰؛ علامه حلی، الفین، ۷۰)

شیخ صدوق در بیان این برهان می‌نویسد: هر کلامی که از ناقل نقل شود محتمل و جوهی است - قرآن و اکثر سنت در شریعت اسلام، طبق دیدگاهی که از اجماع مسلمین بر می‌آید، صحیح بوده و زیاده و نقصان ندارد و تبدیل و تغییر در آنها وارد نشده است - لذا قرآن و سنت، چون برای معانی و وجوه مختلف، محتمل است،

پس لازم است که مخبر و مفسر آنها، صادق و معصوم باشد، تا از کذب و غلط مصون باشد و از مقصود خدا و رسول اکرم در قرآن و سنت خبر دهد. چون خلاق بر اساس امیال فرقه ای به نفع مذهب خود تفسیر می کنند، پس اگر خداوند امام معصومی را قرار ندهد تا شریعت را کما هو تفسیر کند، لازمه اش، سوق دادن مردم به سوی اختلاف و تأویل مختلف است و لازمه این اختلاف در تأویل، عمل به متناقضات است، چون این اغراء به اختلاف و اغراء به جهل بر خداوند قبیح است، لذا واجب است امامی معصوم، در هر عصری باشد تا قرآن و سنت، طبق خواست خدا تفسیر و تبیین گردد و از زیاده و نقصان آن را حفظ کند. (شیخ صدوق، معانی الاخبار، ۱۳۳-۱۳۴)

اینها دلایلی هستند بر این که حفظ دین و جامعه دینی در گرو وجود امام معصوم و هدایت و رهبری های اوست.

۳-۲-۱-۴- مقابله با اجتهاد در برابر نص:

جریان اجتهاد گرایی در برابر نص که پس از رحلت پیامبر اسلام ص در جامعه اسلامی پدید آمد، سبب گشوده شدن راه اقسام بدعت ها تحت عنوان اجتهاد دینی و مشروعیت دادن به آن بود که متاسفانه عالمان دینی به جای مبارزه با آن، به سازش و پذیرش آن تن دادند. بنابراین حفاظت از حدود اسلام و مقابله با اجتهاد فقط با اطاعت از امام معصوم امکان پذیر است.

۳-۲-۱-۵- ادله نقلی بر حفظ شریعت

در کتاب بحارالانوار در باب زیارات جامعه از قول امام صادق ع در شان ائمه ع نقل شده است که امام فرمود: "... و ورثت علم الكتاب و لقتن فصل الخطاب و أوضح بمكانك معارف التنزيل و غوامض التأویل و سلمت إليك راية الحق و كلفت هداية الخلق و نبذ إليك عهد الإمامة و ألزمت حفظ الشريعة ... " (مجلسی، ۹۹/۱۶۵) در این دعا وظایف متعددی از جمله حفظ شریعت به امام تفویض شده است.

۳-۳ دیدگاه آلوسی بر برهان لطف

آلوسی می گوید: "اگر وجود معصوم را برای حفظ دین و جلوگیری از خطا بپذیریم، پس باید در هر مکان و زمان معصومی باشد و این علاوه بر آن که محال است، با عقاید شیعه مبنی بر اینکه در زمان غیبت امام زمان عج، علماء مجتهد نائب امام هستند، تناقض دارد." (آلوسی، النفحات القدسیه، ۲۹-۳۰) در این اشکال آلوسی با پذیرفتن فرضی ادله ضرورت امامت و اینکه بعد از خاتمیت وجود امام معصوم برای جامعه ضروری است، اظهار می کند که ادله مزبور با نظریه دیگر شیعه درباره غیبت امام دوازدهم تهافت دارد، چراکه شیعه از یک سو بر ضرورت وجود امام معصوم در جامعه تأکید و اصرار می ورزد و از سوی دیگر با طرح نظریه غیبت معتقد

است امام معصوم فعلاً در جامعه حضور ندارد و به اصطلاح جامعه در عصر غیبت به سر می برد. این اشکال از سده های پیشین مطرح شده و امروز نیز بعضی به طرح و تقویت آن پرداخته اند.

۳-۳-۱- تحلیل و نقد آراء آلوسی

بسیاری از متکلمین شیعه مثل، شیخ مفید، علامه حلی و سید مرتضی برای اثبات عصمت امامان و انبیا (علیهم السلام) به لطف استدلال کرده اند و گفته اند که وقتی حسن و قبح عقلی ثابت گردید، عقل به این حکم می کند که لطف بر خداوند واجب است؛ چون محصل، غرض الهی و عصمت امام، لطف است. از طرفی عصمت امری خفی است و مگر از جانب خداوند تعالی دانسته نمی شود. همچنین اجماع بر عدم عصمت غیر امامان واقع است. نک: (علامه حلی، الفین، ۳۹؛ علم الهدی، امالی، ۲/ ۱۳۵؛ علم الهدی، الشافی فی الامامة، ۱/ ۳۶، ۳۷، ۱۶۲)

این استدلال را بسیاری از دانشمندان اسلامی در باب عصمت انبیا و امامان مشترکاً آورده اند، و فخر رازی هم در باب عصمت انبیا به آن تمسک کرده. (الرازی ۸/ ۳۰)

این برهان یکی از تقریرهای برهان نقض غرض است که در کتب متکلمین به آن اشاره شده است و بنابر آن امام باید معصوم باشد تا غرض پروردگار عالم در حفظ شریعت، تبیین و تفسیر دین طبق نظر خدا انجام گردد. در تحلیل این اشکال نکات ذیل قابل توجه است:

۳-۳-۱- ضرورت عینی امام معصوم در صدر اسلام

در بحث فلسفه امامت به این نتیجه می رسیم که با وجود پیامبر اسلام (ص) به وجود امام دیگری اصلاً نیاز نبود، اما پس از رحلت آن حضرت، مردم به اندازه کامل رشد نیافته بودند تا در تفسیر دین خودکفا باشند و بتوانند سره را از ناسره تشخیص دهند، عملیاتی نمودن آموزه ها و احکام شریعت به وجود حکومت دینی و در رأس آن امام و حاکم معصوم نیاز داشت تا حاکم دینی با استفاده از دو ابزار کلیدی خود یعنی مقام مرجعیت علمی و دینی (که مرهون علم لدنی و عصمت است) و مقام سیاسی و قدرت ظاهری خود ضمن تبیین دین خاتم و رفع شبهات منتقدان و جاهلان با تحریف کنندگان و معارضان نیز مقابله کند تا اینکه اسلام به مرور به نسل های بعدی منتقل شود و مردم با راهنمایی های امامان آمادگی لازم را در خود ایجاد کنند. خوشبختانه ابزار اول (مرجعیت علمی و دینی) تا حدودی بعد از رحلت پیامبر (ص) در میان مردم بود و مردم و حتی پیروان ادیان دیگر می توانستند شبهات خود را از امام علی (ع) پرسیده و جواب لازم و منطقی را دریافت نمایند. متأسفانه ابزار دوم یعنی حکومت و قدرت سیاسی از مقام مرجعیت علمی و دینی به مدت بیست و پنج سال جدا شد که از این ناحیه آسیب هایی بر اسلام متوجه شد، لکن با به قدرت رسیدن حضرت علی (ع) حضرت تا اندازه ای توانست به آسیب زدایی بپردازد. بعد از حضرت علی (ع) ده امام معصوم نیز آموزه های ناب اسام

را به نسل های بعدی انتقال می دادند، با ادامه این جریان تا حدودی نیاز عینی و ضروری جامعه به وجود امام معصوم کاسته می شد و جامعه به طرف آمادگی لازم برای دوره غیبت امام معصوم (ع) حرکت می کرد. زیرا که مهمترین فلسفه ضرورت امام در جامعه مرجعیت علمی و دینی و هدایت مردم بود که اصل آن با وجود دوازده امام در جامعه ثبت و نهادینه شده و تکمیل آن نیز به عهده عالمان دین گذاشته شده بود. و مسئله تشریح نیز در عصر خود ائمه به مقدار لازم صورت گرفته است و نیازهای جامعه به آن به صورت اصل اجتهاد به فقهای واجد شرایط واگذار شده است. رک: (قدران قراملکی، پاسخ به شبهات کلامی ۱۳۰)

۳-۲-۱-۲- عدم منافات غیبت با لطف الهی

البته باید پذیرفت وجود امام معصوم در هر عصری در میان مردم خود لطف مضاعف دارد که جای آن را هیچ عالمی پر نمی کند، اگر امام معصومی وجود داشت اختلاف علمی مسلمانان به حداقل می رسید. اما متأسفانه در عصر امام دوازدهم خداوند آن امام همام را به سراپرده غیبت برده تا در وقت دیگر ظهور نموده، جامعه را از عدالت مملو کند. ولی غیبت امام (عج) به معنی عدم وجود نیست و با دلیل لطف تهافتی ندارد.

۳-۳-۱-۳- امکان هدایت تشریحی و تکوینی در دوره غیبت

یکی از شئون و وظایف امام و مقام امامت، واسطه فیض الهی بودن است که بنابر نصوص روایی خداوند عالم تکوین را به واسطه وجود شریف ائمه هدایت و اداره می کند. روایاتی از این سنخ که: «آسمان با وجود ائمه از سقوط حفظ شده، با فیض وجود ائمه باران می بارد» بر آن دلالت دارد، روشن است این شأن امام به اصل وجود شریفش متقن است و مسئله غیبت مانع آن نیست.

افزون بر این شأن و ولایت تکوینی امام، امام حجت (عج) در سراپرده غیبت از طرق مختلف مانند تصرف در نفوس و دل های مسلمانان و انسان ها بستر هدایت آنان را به سوی حق تعالی فراهم می کند، چنان که آیه شریفه ذیل درباره نقش امامان و پیشوایان می فرماید: «أَتَمَّةٌ يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا» (السجده، ۲۴) پیامبر اسلام (ص) بعد از اشاره به غیبت حضرت حجت (عج) در پاسخ از امکان استفاده از وجود آن حضرت در دوره غیبت فرمود: "قسم به خدایی که مرا به نبوت برانگیخت، همانا مردم به نور وی روشنایی و هدایت می جویند و به ولایتش منتفع می شوند، مانند انتفاع مردم از خورشید پشت ابرها." (صدوق، کمال الدین و تمام النعمة، ۱/ ۴۷۵، مجلسی، ۵۳/ ۱۷۱؛ طبرسی، ۲/ ۴۹۲)

۳-۳-۱-۴- غیبت طلیعه ظهور نور

نفس وجود امام عصر (عج) در سراپرده غیبت و وعده ظهور حضرت با برپایی مقتدرترین حکومت جهانی عادلانه و نابودی ظلم و حکومت های ظالمانه موجب امید در دل های انسان های مؤمن می گردد. به دیگر

سخن غیبت حضرت مقدمه و طلّیعه ظهور نور عالم تاب و فرجام نیکو و روشن، برای جامعه جهانی است. (قدران قراملکی، ۱۲۸-۱۳۴)

۳-۱-۵- ادله نقلی

امام علی (ع) در تقریر ساحت اهل البیت فرمود: "ان الله تبرک و تعالی طهرنا و عصمنا و جعلنا شهداء علی خلقه و حجته فی أرضه و جعلنا مع القرآن و جعل القرآن معنا لانفارقة و لا يفارقنا". (الکلینی، ۱ / ۱۹۱)

ج- امام رضا (ع) در بیان حقیقت امامت و امام در حدیث بلندی فرمود: "الامام المطهر من الذنوب المبرأ عن العیوب ... معدن القدس و اطهارة و النسک و الزهادة و نسل المطهرة ... فهو معصوم مؤید موفق مسدد قد آمن من الخطایا و الزلل و العثار یخصه الله بذلك لیكون حجته علی عباده و شاهده علی خلقه". (الکلینی، ۱ / ۲۰۰ و ۲۰۲ و ۲۰۳؛ شیخ صدوق، عیون اخبار ارضا، ۲ / ۱۹۷ و ۱۹۹)

امام از ذنوب ظاهر و از هر عیوب مبراست ... امام معدن قداست، پاکی، عبادت و زهد است. امام از نسل پاکان است ... او شخص معصوم مؤید و موفق از طرف الهی است که به تحقیق از خطایا و لغزش ها و گمراهی ها در امان است. این ویژگی را خداوند به وی اختصاص داده تا حجت خدا بر بندگان و شاهد او بر خلقش باشد. در مباحث فوق اشکالهایی را که آلوسی بر چند برهان در اثبات ضرورت عصمت امام وارد کرده را مورد تحلیل و بررسی قرار دادیم. در ادامه مطلب تعدادی دیگر از براهین شیعه را به طور مختصر بیان می کنیم تا دلیلی باشد برای اثبات حقانیت ادعای امامیه.

۴- نتایج مقاله

۴-۱ آلوسی - از مفسرین معاصر عامه - از جمله مخالفین عصمت است و نقدهایی را بر دیدگاههای امامیه در ادله عصمت وارد کرده است. در نقد براهین عقلی دلایلی در رد سه برهان امتناع تسلسل، حفظ شریعت و برهان لطف ارائه نموده است. آلوسی بر این باور است که با ختم نبوت موضوع عصمت پایان می یابد و برای حفظ دین فقط عدالت و اجتهاد کفایت می کند و نیازی به عصمت امام نیست. او همچنین معتقد است که بین عصمت امام و غیبت ایشان از منظر شیعه تناقض وجود دارد.

۴-۲ این دیدگاههای آلوسی عمدتاً برگرفته از نوع نگرش او به موضوع امامت و مساوی دانستن امامت و خلافت و تنزل مقام امامت به حد عالمان یک جامعه است. است، زیرا معتقد است خداوند حفظ شریعت را به عالمان سپرده است، لذا نیازی به ضرورت عصمت نمی بیند.

۴-۳ آراء آلوسی بعضاً برگرفته از نظر پیشینیان است و مورد استفاده مخالفان معاصر نیز قرار گرفته است.

۴-۴ روش آلوسی در نفی این براهین سست کردن عقاید شیعه از طریق بیان تناقض در بین عقاید ایشان به زعم او است. او استدادهایی به کتب شیعه می کند که بعضاً صحیح نیست.

۴-۵ از دیدگاه شیعه اگرچه با ختم نبوت، نزول وحی پایان یافته است، اما نیاز به انسان های مفترض الطاعه همچنان ضرورت وجود و عصمت آنان را ایجاب می کند که مطابق قرآن و روایات نبوی، امامان مصادیق بارز آن هستند و قول به عصمت اهل بیت مقتضای ادله عقلی، قرآنی و روایی می باشند.

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه، سید رضی، محمد بن حسین، بی تا
- ۳- آلوسی، السید محمد. النفحات القدسیه. بی جا: بدون ناشر، بی تا.
- ۴- همو. روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۵.
- ۵- آملی، سید حیدر. تفسیر المحيط الاعظم. قم: نور علی نور، ۱۳۸۰.
- ۶- ابراهیم صفرزاده. عصمت امامان از دیدگاه عقل و وحی. قم: زائر آستان مقدس، ۱۳۹۲.
- ۷- ابن ابی الحدید، عبد الحمید. شرح نهج البلاغه. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۸۷.
- ۸- ابن نوبخت ابی اسحاق ابراهیم. الیاقوت فی علم الکلام. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۱۳.
- ۹- اردبیلی، المقدس احمد. اصول دین. ترجمه‌ی محسن صادقی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹.
- ۱۰- الاشعری، علی بن اسماعیل. مقالات الاسلامیین. تحقیق محمد محی الدین عبد الحمید. بی جا: دار الحدائث، ۱۴۰۵.
- ۱۱- امینی، عبدالحسین. الغدیر. تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.
- ۱۲- ایجی، عضدالدین. المواقف. قاهره: مکتبه المتنبی، بی تا.
- ۱۳- بحرانی، ابن میثم، قواعد المرام فی علم الکلام. بی جا: مکتبه آیت الله مرعشی نجفی، بی تا.
- ۱۴- بیاضی، علی بن یونس. الصراط المستقیم. بی جا: المکتبه المرتضویه، ۱۳۸۴.
- ۱۵- تفتازانی، سعدالدین. شرح المقاصد. تحقیق احمد حجازی السقا. قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۴۰۹.
- ۱۶- جرجانی، میر سید شریف و حسن جلیبی. شرح المواقف. مصر: چاپخانه سعادت، ۱۳۲۵.
- ۱۷- جمعی از نویسندگان. امامت پژوهی، بررسی دیدگاههای امامیه، معتزله و اشاعره. بی جا: دانشگه علوم اسلامی رضوی، بی تا.
- ۱۸- حلی. یوسف بن مطهر، الفین. قم: دارالهجره.
- ۱۹- همو. منهاج الیقین فی اصول الدین. قم: انتشارات محقق، ۱۴۱۶.
- ۲۰- همو، محمد حسن. کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. محقق: علامه حلی، مترجم □: ابوالحسن شعرانی. تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۹۸.

- ۲۱-راوندى، قطب الدين. منهاج البراعة فى شرح نهج البلاغه. قم: كتابخانه مرعشى نجفى، ۱۴۰۶.
- ۲۲-رازى، ابوالفتح. روض الجنان. مشهد: بنياد پژوهشهاى آستان قدس رضوى، ۱۳۷۱.
- ۲۳-الرازى، فخرالدين. المطالب العالية من العلم الالهى. بى جا: دار الكتب العربية، بى تا.
- ۲۴-همو، فخرالدين محمد. تفسير فخر الدين الرازى. بى جا: بى نا، بى تا.
- ۲۵-راغب اصفهانى. المفردات فى غريب القرآن. بى جا: دفتر نشر الكتاب، ۱۴۰۴.
- ۲۶-ربانى گلبايگانى. على "عصمت از نگاه خرد." قيسات (بى تا): بدون صفحه.
- ۲۷-سبحانى، جعفر. الالهيات. قم: موسسه امام صادق، ۱۴۱۷.
- ۲۸-سجادی، صادق. مفسرين. بى تا.
- ۲۹-سروش، عبدالکريم. بسط تجربه نبوى. تهران: موسسه فرهنگى صراط، ۱۳۷۶.
- ۳۰-همو. "پاسخ اول سروش به بهمن پور." سايت بازتاب سروش (۱. ۶. ۶۴): بدون صفحه.
- ۳۱-سيد مرتضى. على بن حسين الشافى فى الامامة. قم: موسسه اسماعيليان، بى تا.
- ۳۲-همو. امالى. تحقيق محمد ابوالفضل ابراهيم. بى جا: دار احياء الكتب العربية، ۱۳۷۳.
- ۳۳-همو تنزيه الانبياء و الأئمة. بيروت: دار الأضواء، ۱۴۰۹.
- ۳۴-همو. جمل العلم و العمل. نجف اشرف: نشر آداب، ۱۳۸۷.
- ۳۵-سيورى، فاضل مقداد. ارشاد الطالبين الى نهج المسترشدين. قم: مكتبة آيت الله مرعشى نجفى، بى تا.
- ۳۶-همو. الاعتماد فى شرح واجب الاعتقاد. محقق صفاء الدين البصرى. مشهد: انتشارات مجمع البحوث الاسلامية، ۱۴۱۲.
- ۳۷-شاکرين، حميد رضا. دين شناسى. قم: معارف، ۱۳۸۷.
- ۳۸-شريفى، احمد حسين، يوسفیان، حسن. پژوهشى در عصمت معصومان ع. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامى، ۱۳۸۸.
- ۳۹-صدوق، محمد بن على. الخصال. محقق: على اكبر غفارى. قم: جامعه مدرسین، بى تا.
- ۴۰-همو. علل الشرايع. نجف: مكتبة الحيدرية، ۱۳۸۶.
- ۴۱-همو. عيون اخبار ارضا. نجف: المطبعة الحيدرية، ۱۳۹۰.
- ۴۲-همو كمال الدين و تمام النعمة. محقق: على اكبر غفارى. قم: موسسه نشر اسلامى، ۱۴۰۵.
- ۴۳-همو. معانى الاخبار. قم: انتشارات اسلامى، ۱۳۶۱.
- ۴۴-طوسى، محمد بن حسن. الاقتصاد الهادى الى طريق الرشاد. تهران: مكتب جامع جهل ستون، ۱۴۰۰.
- ۴۵-همو. الغيبة. قم: موسسه معارف اسلامى، ۱۴۱۱.

- ۴۶- همو. تلخیص الشافی. قم: مؤسسه المحبین، ۱۳۸۲.
- ۴۷- هو. رسائل العشر. قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
- ۴۸- طبرسی، احمد بن علی. الاحتجاج. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۰.
- ۴۹- طوسی، خواجه نصیر الدین. تجرید الاعتقاد. بی جا: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۷.
- ۵۰- همو. قواعد العقائد. ترجمه ی ربانی گلپایگانی. قم: لجنة ادارة الحوزة العلمية، ۱۴۱۶.
- ۵۱- طباطبایی، محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: جامعه مدرسین، بی تا.
- ۵۲- فاریاب، محمد حسین. عصمت امام در تاریخ تفکر امامیه تا پایان قرن پنجم هجری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.
- ۵۳- قاضی عبدالجبار. المغنی. ج ۱۳. بدون ناشر.
- ۵۴- قدران قراملکی، محمدحسن. پاسخ به شبهات کلامی. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲.
- ۵۵- همو، محمدحسن. خاتمیت. تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۹۱.
- ۵۶- کدیور، محسن. "قرائت فراموش شده." مدرسه ۳ (۱۳۸۵): ۹۵.
- ۵۷- کلینی، محمد بن یعقوب. الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
- ۵۸- لاهیجی، عبد الرزاق. سرمایه ایمان. مصحح: صادق لاریجانی. قم: انتشارات الزهراء، ۱۳۷۲.
- ۵۹- لاهیجی، عبدالرزاق. گوهر مراد. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳.
- ۶۰- مجلسی، محمد باقر. بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳.
- ۶۱- محقق حلی. المسلك فی اصول الدین. بی جا: مؤسسه نشر آستانه رضویه، ۱۴۱۴.
- ۶۲- مصباح یزدی، محمد تقی. راهنما شناسی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵.
- ۶۳- مطهری، مرتضی. امامت و رهبری. تهران: صدرا، ۱۳۶۸.
- ۶۴- مظفر، محمد حسن. دلائل الصدق. قاهره: دارالعلم، بی تا.
- ۶۵- الملاحمی الخوارزمی، رکن الدین. الفائق فی اصول الدین. مسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۶.
- ۶۶- مفید. اوائل المقالات. انتشارات مطالعات اسلامی، دانشگاه تهران، ۱۴۱۳.
- ۶۷- همو وقعه الجمل. قم: مکتبه الداوری، بی تا.
- ۶۸- همو. النکت الاعتقادیه. قم: انتشارات المؤتمر العالمية لألفية الشيخ المفید، ۱۴۱۳.
- ۶۹- همو. تصحیح الاعتقاد، مصفات شیخ مفید. قم: انتشارات المؤتمر العالمية لألفية الشيخ المفید، ۱۴۱۳.

- ۷۰- مکارم شیرازی، ناصر. تفسیر نمونه. تهران: دارالاسلامیه، ۱۳۶۹.
- ۷۱- هاشمی تنکابنی. سید موسی عصمت، ضرورت و آثار. قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰.